

بهترین ایسم اسلام است

حکمت‌ها و اندرزها، جلد ۱



خداشناسی نه فقط اول دین است، اول پایه و مایه انسانیت است. انسانیت اگر بنا بشود روی اصل پایداری بنا شود باید روی اصل توحید ساخته گردد. ما یک سلسله امور را به عنوان «حقوق انسانی» یا «شئون انسانی» نام می‌بریم، می‌گوییم انسانیت حکم می‌کند که رحم و مروت داشته باشیم، نیکوکار باشیم، از صلح و آرامش حمایت کنیم، نسبت به جنگ ابراز تنفر کنیم، به بی‌بضاعتها و بیمارها و مجروحین و مصدومین و درماندگان کمک کنیم، به هم‌نوعان خود آزار نرسانیم، بلکه در راه خدمت به نوع فداکاری کنیم، جانفشانی کنیم، عقیف و باتقوا باشیم، به حقوق دیگران تجاوز نکنیم. همه اینها درست است و واقعاً هم باید اینچنین بود، اما اگر از ما بپرسند که منطق این دستورها و فلسفه‌ای که ما را قانع کند که منافع شخصی خود را فدای این امور کنیم و متحمل محرومیت بشویم چیست، آیا می‌توانیم با چشم پوشی از مسئله خداشناسی جوابی بدهیم؟

اینها همه به اصطلاح معنویات است و در جهت مخالف مادیات و منافع فردی است. سرسلسله معنویات خداشناسی است. ممکن نیست از سر سلسله معنویات و از ریشه و بن و سرچشمه آنها چشم‌پوشیم و آنگاه بتوانیم اصول معنوی داشته باشیم؛ و از طرفی حتی مادیت‌های جهان‌چاره‌ای ندارند از اینکه سازمان اجتماعی خود را بر یک سلسله اصول معنوی و شرافتهای اخلاقی بسازند.

انسانیت از خداشناسی نمی‌تواند جداگردد. یا خداشناسی است و یا سقوط در حیوانیت و منفعت‌پرستی و سبُعیت و درندگی. منفعت‌پرستی به معنی واقعی کلمه یعنی اینکه آدمی واقعاً بنده شهوت و شکم بوده باشد. یا باید بنده خدا بود و یا بنده شکم و دامن و جاه و مقام و پول و زر و زیور، راه سوم ندارد. اما اینکه کسی مدعی شرافت و اخلاق و تقوا و عفت باشد و در عین حال به خداشناسی که سرسلسله این امور است ایمان و اعتقاد نداشته باشد، وهم باطلی بیش نیست.

امام موسی صدر: دین پیش از آنکه توشه‌ای برای آخرت باشد، والاترین وسیله برای زندگی است.



حتی اگر خدا رو هم قبول نداری. بهترین ایسم برای زندگی

دنیوی، اسلام است.

ایسم چیست؟

مجموعه‌ی ایده‌ها و تئوری‌های برگرفته از اندیشه‌ی بشری برای نحوه‌ی زندگی کردن بشر و اداره‌ی جوامع بشری، را ایسم می‌گویند.

فرض در این مقاله این است که خدا را قبول نداریم و اسلام ایسمی از پیامبر اکرم است.

در این مقاله می‌خواهیم نظر سه مکتب فکری را در سه مولفه‌ی مهم جوامع بررسی کنیم.

بعبارت دیگر می‌خواهیم نظر مکتب اسلام، مکاتب غربی و مکاتب کمونیستی در مورد سه

مولفه‌ی مهم و اساسی جامعه یعنی حکومت، خانواده و مقوله‌ی ایثار و فداکاری برای دیگران، را

بررسی کنیم.

مقایسه‌ی سه مکتب یاد شده در مورد "حکومت" و بررسی برخی دیگر از مکاتب:

- ایدئولوژی و آرای کمونیستی در مورد حکومت:

کمونیست‌ها در مکتب خود طرفدار تئوری ایجاد جامعه‌ی سوسیالیستی هستند یعنی ایجاد برابری و مساوات اجتماعی .

۱-۱: وضعیت اقتصاد در حکومت مورد نظر کمونیست‌ها :

در کمونیست یکی از مولفه‌های برابری اجتماعی با برابری در حقوق اقتصادی بیان شد که از آن به "مالکیت اقتصادی" یاد می‌شود.

یعنی اینها مالکیت اشتراکی در اقتصاد را قبول داشتند به عبارت دیگر می‌گفتند:

- حقوق یک کارگر با حقوق صاحب کارخانه باید از منافع و سود کارخانه برابر باشد و اینگونه نیست که صاحب کارخانه سود بیشتری ببرد. (البته کارخانه را به زور از مالکیت صاحبش بیرون می‌آوردند و به طور مساوی بین تعداد کارگران و صاحب کارخانه تقسیم می‌کردند.

با این کار عملاً کارگران پول بیشتری کسب می‌کردند و سطح رفاه آنها بالاتر می‌رفت و از طرفی چون نیمی از جهان از آفریقا تا چین گرفته در فقر بودند و اکثراً کارگر و برده بودند این تئوری باعث افزایش حقوق آنها و آزادی آنها از برده‌داران می‌شد زیرا دیگر مالکیت اختصاصی وجود نداشت و طرف نمی‌توانست ادعا کند که این کارخانه مال من هست و من باید سود

بیشتری ببریم یا این فرد برده‌ی من است، دیگر مال من معنا نداشت. از این لحاظ بسیار جالب
به نظر می‌رسید.)

- عدالت اقتصادی کمونیست به معنای مساوات هست، یعنی همه برابrand و دارای حق مساوی
هستند.

نقد و بررسی :

- عدالت به معنای مساوات نیست، فرض کنید در یک کلاسی عده‌ای درس خوانده‌اند و عده‌ای
درس نخوانده‌اند بعد معلمی بیاید به همه نمره‌ی یکسانی دهد. در امور اقتصادی بالاخره صاحب
کارخانه تجهیزات را آورده، مدیریت فروش را دارد، در صورت ضرر باید او جبران مافات کند.
البته نباید واقعاً بیش از حد سود ببرد و در حق دیگران ظلم کند ولی طبیعی است قدری بیشتر
از دیگران باید به او حقوق داد زیرا تکالیف بیشتر و مسئولیت بیشتری از جهت کیفیت و گاهی
حتی از نظر کمیت دارد.

- عدالت در مکتب اسلام به معنای اعطای حق بر اساس شایستگی است.

- عدالت در مکتب غربی در عمل نیز به همین معنای اسلام است. فقط مشکلی که در غرب در
مورد عدالت اقتصادی داریم این است که شرکتهای بزرگ چند ملیتی با دست به دست هم
دادن می‌آیند قیمت یک کالا را آنقدر پایین اعلام می‌کنند تا رقبای ضعیف کوچکتر را از راه به
درد کنند.

⚠️ البته عدالت زمانی است که در مورد اعطای حق صاحب کارخانه زیاده روی نشده باشد و
عملاً صاحب کارخانه‌ای نیاید از کارگران سوء استفاده کند و حقوق کارگران بسیار کم باشد که
در حق آنها ظلم شود.

- کمونیست مالکیت اشتراکی را به رسمیت می‌شناخت و قائل به اقتصاد دولت‌محور است یعنی
همه‌ی کارخانه‌ها تحت نظر دولت باشند و دولت سیاست‌ها و اداره‌ی آنها را به عهده داشته

باشد و هیچ کس حق ندارد کارخانه‌ی اختصاصی خود را داشته باشد و دولت با سود کارخانه به همه‌ی مردم حقوق می‌دهد یعنی سهامی عام .

- در عمل، در اقتصاد دولت محور، شوق و نشاط برای کار بیشتر و بازدهی نیست؛ زیرا فرد می‌گوید به من چه مربوط است که ضرر کنیم یا نفع ببریم این مال دولت است، ما که حقوق ثابت خودمون رو داریم و اقتصاد از نشاط می‌افتد از طرفی سوء استفاده از دولت صورت می‌گیرد و عده‌ای کم کار می‌کنند یا به دزدی در اموال دولت دست می‌زنند.

- ولی اسلام و غرب هر دو مالکیت فردی و اختصاصی را به رسمیت می‌شناسند و قائل به خصوصی‌سازی در اقتصاد است. (سهامی خاص)

- در اقتصاد خصوصی فرد، سود و سرمایه مال خودش است و نمی‌آید از مال خودش دزدی کند. و در صورت اختیار صاحب کارخانه به کارگران وعده می‌دهد که در صورت سود بیشتر به کارگران حقوق بیشتری می‌دهد و تولید بیشتر برابر است با سود بیشتر کارگر و نشاط و افزایش فعالیت در آن هست.

(متأسفانه در غرب این مالکیت اختصاصی و احترام به حقوق مردم پا را از عرصه‌ی اقتصاد فراتر نهاده و وارد این شده است که مردم در حکومت هم حق مالکیت خصوصی دارند به این معنا که حکومت باید آن طوری باشد که مردم دوست دارند یعنی نحوه‌ی حکومتداری نیز به آراء و نظر مردم باید باشد که در جای خود بررسی می‌شود.)

۱-۲: وضعیت حاکم و ساختارهای اداره‌ی اجتماعی در حکومت مورد نظر کمونیست‌ها :

در نظام کمونیستی اینکه شخصی باید حاکم باشد مورد تردید نیست ولی نظامی کمونیستی که ادعای برابری اجتماعی برای مبارزه با رفع تبعیض داشت به حکومت استالینی ختم شد که عملاً دیکتاتوری را به خرج می‌دهد و عملاً دست به استبداد می‌برد.

یکی دیگر از اشکالات این است که اگر همه برابرند چرا باید فلان شخص رئیس جمهور باشد و از امکانات بیشتری و قدرت بیشتری برخوردار باشد اگر برابر است همه باید قدرت برابر داشته باشند.

بررسی ساختار خانواده (ازدواج و فرزند آوری) در بین نظام های کمونیستی، اسلامی و غربی:

آرای کمونیستی در باب خانواده :

⚠ بررسی نظر اسلام و غرب در نقد و بررسی

تئوری مالکیت اشتراکی کمونیستی از اقتصاد پا را فراتر نهاد و به مالکیت اشتراکی در خانواده و اخلاقیات هم رسوخ کرد.

یعنی روابط زناشویی در مکتب کمونیستی به این صورت بود که یک زن دیگر متعلق به یک مرد نبود و همه میتوانند با این زن رابطه داشته باشند. یعنی به نوعی به روابط آزاد زناشویی معتقد بودند.

- نظر غرب نیز در مورد روابط زناشویی همین آزاد بودن روابط است ولی در غرب دیده می شود کسانی که تشکیل خانواده به صورت اسلامی می دهند مورد تحسین هستند.

- نظر اسلام در مورد خانواده اختصاص زن به مرد است و زن نمی تواند با مرد دیگری ازدواج کند یا رابطه داشته باشد. از طرفی مرد هم نمی تواند با زن دیگری رابطه ای آزاد داشته باشد و به شرط شرایط عدالت بین زنان میتواند با ۴ تا زن ازدواج کند. (البته شرط عدالت مهم است و نباید از روی هوی و هوس باشد.)

نقد و بررسی روابط آزاد زنا شویی :

۱- آسیب روابط آزاد زنا شویی چیست؟

۲- چرا یک مرد می‌تواند با ۴ تا زن ازدواج کند ولی یک زن نمی‌تواند با ۴ تا مرد ازدواج کند؟

پاسخ ۱ :

در روابط آزاد زناشویی آسیب‌های زیر است:

- نبود آرامش جنسی: یعنی این خانم یا مرد معلوم نیست با چه کسان دیگری رابطه داشته و به راحتی بیماری‌های جنسی انتقال پیدا می‌کند. (شاید کسانی بگویند امروزه وسیله‌ای را برای مردان گذاشته‌اند تا در عین نزدیکی بیماری زن یا مرد به هم انتقال پیدا نکند. در پاسخ باید گفت در این حالت فرزند آوری و بحران جمعیت رخ می‌دهد که در جلوتر پاسخ داده می‌شود).

- نبود آرامش روانی: یعنی وقتی یک مرد و زن تمام عواطفشون بین هم دیگه تقسیم شده بهتر از حالتی است که زن هیچ حامی مشخصی نداشته و مدام با اخلاقیات متعارض مردهای گوناگون رو در رو. در این مورد عواطف یک زن باید بین تعداد زیادی مرد تقسیم شده و عملاً عواطف تقسیم می‌شود. زن باید اخلاقیات ضد و نقیض افراد را تحمل کند.

- زن در ایام حیض از لحاظ روانی در سطح پایین حوصله هست و مرد غریبه که این رو درک نمی‌کند. ولی شوهر خودش درک میکند و می‌گوید: خب خانم من که همیشه اینجور نیست الان شرایط خاصی پیش اومده و زود از دست زنش رنجیده نمی‌شود. از طرفی مرد مسلمان با اسلام واقعی می‌گوید اسلام در این ایام حیض به من هم اجازه‌ی نزدیکی نمی‌دهد پس من بیخود اعتراض نکنم به خانم خودم که چرا حوصله‌ی نزدیکی نداری.

- در این روابط آزاد پس از رابطه، زن حامل فرزندی می‌شود که باید خود زن بار مالی فرزند را به دوش بکشد چرا که مرد غریبه که تقیدی نسبت به آن زن ندارد بی‌خیال زن و فرزند شده و آنها را رها می‌کند و می‌رود.

در برخی موارد مادر هم فرزند را رها می‌کند و آسیب‌های اجتماعی مربوط به کودکان تک‌والده یا بی‌والدین پیش می‌آید.

- خانم‌ها پس از مدتی دچار مشکلات جنسی می‌شوند و در سن بالا دیگر توان داشتن رابطه با مردان را ندارند. (نزدیکی بین زن و مرد همیشه هم لذت‌آور نیست و پس از مدتی هم دستگاه جنسی توانایی ندارد و هم میل شخصی کاهش پیدا می‌کند.) شوهر اون درک می‌کند که این همان خانمی هست که تا دیروز به شوهرش خدمت می‌کرده ولی مردی که تقیدی ندارد این را درک نمی‌کند. از طرفی مرد مسلمان با اسلام واقعی طبق احکام اسلامی حق ندارد خانمش را به این بهانه طلاق بدهد زیرا اسلام نگاه ابزاری به فرد ندارد بلکه به مرد اجازه می‌دهد زن دیگری اختیار کند و همچنین مرد حق ندارد خانمش را به بهانه‌ی اینکه دیگر توان نزدیکی را ندارد رها کند، بلکه وظیفه دارد تا آخر عمر از زن حمایت مالی کند. لذا در کشورهای اسلامی می‌بینیم که چه خانم‌های با سن بالایی که در ایام پیری و بیماری نیز حامی دارند.

- خانمی که با رابطه‌ی آزاد زناشویی زندگی می‌کند هر قدر هم که پول در بیاورد ایامی هست که بی‌پول می‌شود مثلاً بیمار شود یا پیر شود. غرب برای این کار روند بیمه و حمایت بیمه را تعبیه کرده و اسلام حمایت مالی شوهر از زن را.

ولی نقد اینجاست چرا غرب حمایت طبیعی را که با نگاه اسلامی هست را حذف می‌کند و دوباره خودش مجبور می‌شود حمایت مصنوعی ایجاد کند!

(گاهی سؤال اینجاست خود اسلام چه خلأ دارد که انسان می‌خواهد دینش را رها کند. بعضی اوقات دیده می‌شود فرد چیزی را میخواهد که در اسلام هم هست فقط حالت مشروعی دارد.)

بررسی فقدان فرهنگ فرزندآوری و بحران جمعیت :

در همه‌ی کشورها چه غربی و چه شرقی، چه مسلمان و چه کافر حاکمان سعی می‌کنند مردم جامعه را تشویق کنند تا فرزندآوری داشته باشند زیرا در غیر اینصورت :

- یا جمعیت کشور پیر می‌شود و نسل جوان تولید نمی‌شود.

- یا جمعیت کشور کم می‌شود.

در هر دو حالت خطرات زیر جامعه را تهدید می‌کند:

- کمبود نیروی کار و تولید و وابستگی به کشورهای دیگر ... (زیر بار دیگران هم ممکن است بروند).

- کمبود نیروی‌های نظامی و کاهش توان دفاعی نسبت به دیگران که پُرجمعیت‌اند پس خطر تجاوز به کشور افزایش می‌یابد. زیرا ممکن است برخی کشورها به فرزندآوری توجه داشته باشند و جمعیت خود را افزایش دهند.

. اخیراً - در حدود سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ - در چین با اون جمعیت زیاد قانون تک فرزندی را بر داشتند. در آلمان به ازای هر فرزندی حمایت‌های مالی زیادی به عنوان تشویق می‌دهند.^۱

پاسخ سؤال ۲ :

۲- چرا یک مرد می‌تواند با ۴ تا زن ازدواج کند ولی یک زن نمی‌تواند با ۴ تا مرد ازدواج کند ؟

- فرض کنید خانمی از مرد اول باردار شود، خانم‌ها در ایامی که باردار می‌شوند دیگر قابلیت باردار شدن دوباره را ندارند پس مرد دوم باید صبر کند برای فرزندآوری تا خانم وضع حمل کند (مرد دوم باید ۹ ماه صبر کند، مردم چهارم باید ۲۷ ماه صبر کند) تازه اینگونه هم نیست که خانم بلافاصله پس از وضع حمل اول میل به نزدیکی و وضع حمل بعدی داشته باشد چرا که وضع حمل برای خانم‌ها با درد و ضعف روانی بسیاری همراه است.

^۱ در پیوست آخر جزوه متن کامل کمک مالی دولت آلمان برای تشویق به فرزندآوری را ببینید

- اگر کسی بگوید ما که فرزند نمی‌خواهیم همان مشکل بحران جمعیت مطرح می‌شود.
- مردها در جنگ بیشتر از زنان شرکت می‌کنند و در نتیجه مردها بیشتر جان خود را از دست می‌دهند تا خانم‌ها.

بررسی عنصر ایثار و فداکاری در بین نظام‌های کمونیستی، اسلامی و غربی :

اهمیت بررسی عنصر ایثار و فداکاری به جایی بر می‌گردد که یک کشور همواره به خطر تجاوز جنگی روبرو هست.

- بررسی فداکاری در مکتب کمونیست و بررسی آرای اسلام و غرب در نقد و بررسی :

نظام کمونیست بر اساس مادی‌گرایی (ماتریالیسم) بنا نهاده شده بود و اعتقاد داشتند که خدا و جهان آخرتی در کار نیست. یعنی اعتقاد داشتند زندگی یک فرد با مرگ از بین می‌رود و دیگر لذات و استفاده‌های دنیوی و انتفاع از دنیا با مرگ خاتمه پیدا می‌کند.

خب حال فرض کنید جنگی پیش آمد :

- یک فرد کمونیست به خود می‌گوید مگر نه اینکه من با مرگ دیگر نمی‌توانیم لذات خود از دنیا را ادامه دهم چرا من باید بروم و بمیرم. اگر تساوی است یا همه باید با هم برویم بجنگیم یا هیچ کدام نرویم (که هر دو نظر عملیاتی نبود).

پس در زمان جنگ فرد می‌گوید چرا من باید خودم را از دنیا محروم کند. (دنیای دیگری هم در کار نیست که من بتوانم لذات خود را ادامه دهم یا به من بخاطر فداکاری پاداش دهند).

لذا می‌بینیم بعداً آمدند در مکتب سوسیالیسم یک سری روابط و تقیدات اخلاقی وضع کردند تا چنین بحرانی و بحران‌های هویتی دیگر را جبران کنند.

- در اسلام به دلیل اینکه یکی از آموزه‌های اسلام این است که تو در ازای دادن جانت در جنگ به شهادتی میرسی که دارای چنان مقام والا و چنان اجر و قربی است که حد ندارد؛

لذا با این تئوری فرد نه تنها از مرگ فرار نمی‌کند بلکه با میل به استقبال شهادت می‌رود.

- در غرب به دلیل نگاه مسیحیت در برخی جاهایش با توجیه دینی دارند شهید را اسطوره‌سازی می‌کنند و با سینما هالیوود اخیراً سعی شده فداکاری برای دیگران را الگوسازی شود مثلاً در فیلمی فردی را نشان می‌دهند که دستش قطع شده ولی همچنان دارد به جنگ می‌پردازد و زیبای استقامت را نشان می‌دهند.

مقایسه‌ی ساختار حکومتی در چند کشور از جهان از کشورهای اسلامی و غربی :

با توجه به اینکه معنای لیبرالیسم و دموکراسی را می‌دانیم به دلیل تنوع ساختار در کشورهای اسلامی و غربی برای این قسمت، چند نمونه از این ساختارها را بررسی می‌کنیم:

بررسی دموکراسی در کشورها :

- ساختار حکومتی انگلیس :

همچنان نظام پادشاهی است و نمایندگان مجلس نخست‌وزیر را انتخاب می‌کنند. و نخست‌وزیر نماینده حزبی است که بیشترین رأی مردمی را در مجلس دارد. و ملکه‌ی انگلیس نقش شاه را دارد.

نقد و بررسی نظام انتخاباتی انگلیس:

خیلی‌ها خیال می‌کنند که ملکه‌ی انگلیس یک گوشه‌ای نشسته و کاری به کار سیاست ندارد در صورتی که یک زمان اختلاف بین ملکه و نخست‌وزیر انگلیس یعنی خانم تاچر باعث شد تا تاچر استعفا دهد. (اگر واقعاً نقشی ندارد چرا تا این حد اثر گذار بوده که نخست‌وزیر استعفاء بدهد.)

- ساختار انتخاب ریاست جمهوری فرانسه :

رئیس‌جمهور فرانسه با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و فردی که بتواند بیش از نیمی از آرای مردم (۵۰ درصد + ۱) رئیس‌جمهور می‌شود.

نقد و بررسی دموکراسی :

شاید مردم احساساتی شوند و بخواهند احساساتی به کسی رأی دهند که واقعا به مصلحتشان نباشد.

در مواردی فردی با تبلیغات مردم را اغوا می‌کند که به او رأی دهند ولی پس از انتخاب قول‌های داده شده را فراموش می‌کند. لذا در این نوع انتخاب، مردم نگاه درست سیاسی ندارند براحتی می‌شود با تبلیغات با زرق و برق و دروغین رأی آنها را کسب کرد. امروزه در انتخابات‌ها

برخی کشورها کسی که پول کافی برای شرکت در انتخابات را ندارد اصلاً نمی‌تواند در رقابت‌ها تبلیغات خوبی انجام دهد.

- ساختار انتخاب ریاست جمهوری آمریکا :

در آمریکا بر اساس آرای الکتروال رأی‌گیری می‌شود و مردم به طور غیر مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا را تعیین می‌کنند.

انتخاب ریاست جمهوری آمریکا شبیه به انتخابات خبرگان رهبری ما است به اینصورت که مردم خبرگان خود را انتخاب می‌کنند و همزمان تمایل خود را نیز به رئیس‌جمهور مورد نظر خود را هم بیان می‌کنند. و این در واقع خبرگان هستند که نظر نهایی در مورد رئیس‌جمهور را می‌دهند.

ابتدا برای هر ایالت نامزدهایی - نخبگان سیاسی مردم - از هر دو حزب اصلی آمریکا در نظر گرفته می‌شود. بعد مردم رأی می‌دهند و نظر خود را در مورد کاندیدای محبوب خود می‌دهند. از طرفی همزمان مردم بین نخبگان سیاسی کاندید شده، افرادی را به عنوان نماینده‌ی سیاسی خود انتخاب می‌کنند.

بعد نمایندگان الکتروال - نخبگان - در هر ایالت نگاه می‌کنند که مردم به کدام نامزد رأی بیشتری داده‌اند و همه‌ی رأی نخبگان آن ایالت به آن نامزد تعلق می‌گیرد البته با تأیید آن نخبه. - هر نخبه حتی میتواند در یک ایالت بر خلاف نظر مردم رأی دهد. -

مجموع آرای الکتروال (نخبگان) ۵۴۰ عدد است که هر فردی بتواند ۱+۲۷۰ رأی را کسب کند رئیس‌جمهوری آمریکا می‌شود.

- البته دلیل انتخاب چنین روشی در انتخابات برای این است که جلوی رأی احساساتی مردم گرفته شود و مصلحت واقعی لحاظ شود.

- در نظام آمریکا رئیس جمهور آمریکا دارای حق وتو است یعنی می توانند رأی نمایندگان مردم را لغو کند و بگوید من رأی نمایندگان مردم را به مصلحت ندیدم. اگر دوباره دو سوم نمایندگان به همان طرح رأی دهند وتوی رئیس جمهور بی اثر می شود.

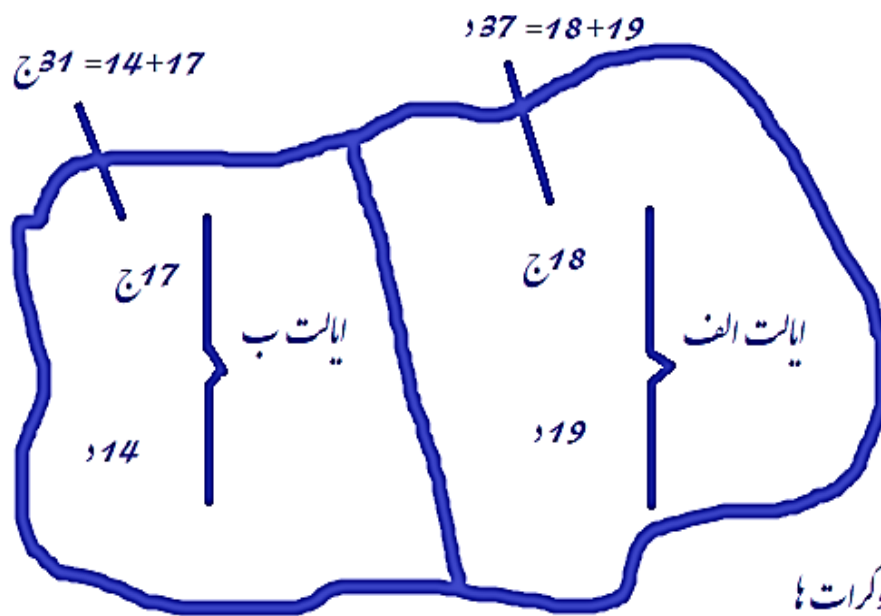
نقد و بررسی نظام انتخاباتی آمریکا :

ممکن است فردی رئیس جمهور شود که نماینده رأی اکثر مردم نیست علت این امر هم این است که در هر ایالت تمامی آرای الکتروال آن ایالت به فرد منتخب داده می شود. و اینگونه است که آرای ایالتی در نظر گرفته می شود نه آرای کل کشور.

مثلا زمان جرج بوش پسر در دور اول ریاست جمهوری جرج بوش پسر با ۳۱ درصد آرای رئیس جمهور کشور شد یا زمان انتخاب ترامپ. در انتخابات ۲۰۱۶ ترامپ از نظر رأی مردم دو میلیون رأی مردمی کمتر از کلینتون آورد ولی آرای الکتروال او بیشتر بود پس به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد یعنی رئیس جمهور اغلب رأی مردم نبوده است.

لذا نظام ریاست جمهوری در ایران و فرانسه به دموکراسی نزدیک تر است تا نظام انتخاب رئیس جمهور آمریکا .

کل رأی یک ایالت برای فرد برنده می باشد



از نظر ایالتی دموکرات ها اول

می شوند در حالی از نظر آرای ملی

مجموع رأی جمهوری خواه برابر 35

است و دموکرات ها برابر 33



از آنجایی که انتخابات آمریکا ایالتی است پس دموکرات ها

برنده اند با اینکه آرای کل مردم را ندارند.

نقد حکم حکومتی :

- در نظام ایران هم رهبری دارای حکم حکومتی است ولی متأسفانه می بینیم برخی رهبری را به خاطر داشتن حکم حکومتی به دیکتاتوری متهم می کنند و در حالی که در خود آمریکا، رئیس جمهورش دارای حق وتو است و می تواند مصوبه مجلس نمایندگان را وتو کند.

همچنین آمریکایی ها در شورای امنیت سازمان ملل هم دارای حق وتو اند.

- در نظام آمریکا اگر دو سوم نمایندگان به طرحی رأی بدهند حق وتوی رئیس جمهور آمریکا بی اثر می شود.

یک سؤال پیش می آید که اگر شما بخاطر مصلحت، به فرد حکم وتو دادید چرا این حق را از او گرفتید؟!

می‌گویند ممکن است رئیس جمهور بخواهد دیکتاتوری کند، اگر رئیس جمهور طبق توجیه قانون وتو، حق تشخیص مصلحت را در بالاتر از سطح نمایندگان دارد، گرفتن آن دیگر بی‌معناست!

سؤال دیگر: شاید نمایندگان حزب دست به دست هم بدهند و بخواهند بخاطر منافع خود وتوی رئیس جمهور را لغو کنند اینجا است که می‌گویند چاره‌ای نیست! و دیگر رئیس جمهور نمی‌تواند کاری کرد ولو اینکه مصلحت ایجاد میکرد که قانون نمایندگان را وتو کند.

- باز در آمریکا یک قاعده ای به نام وضع اضطرار ملی، یعنی رئیس جمهور میتواند حتی رأی دو سوم نمایندگان را نیز بی‌اثر کند.

- ولی در ایران وقتی حکم حکومتی را دادند چون رهبری را فراتر از جناح‌ها و منافع فردی می‌دانند تمکین در برابر حکم رهبری می‌کنند. چرا که اگر فقیه عادل حاکم باشد وقتی عادل است دیگر دیکتاتور نیست.

چگونگی و چرایی نظام انتخاب رهبری در اسلام و انتخاب ریاست جمهوری در ایران:

- انتخابات رهبری:

مردم ابتدا خبرگان رهبری را تعیین می‌کنند و سپس خبرگان مردم، رهبر را تعیین می‌کنند. رهبری که انتخاب شده تا زمانی که کفایت رهبری را داشته باشد رهبر است و در هر لحظه‌ای که این کفایت را از دست بدهد تعویض می‌شود ولی این طور نیست که احساساتی عوض شود یا در هر دوره خبرگان رهبری به رأی گذاشته شود و لذا کاملاً بر اساس مصلحت تعیین می‌شود. (البته به نمایندگان مردم هم مربوط می‌شود.)

- انتخابات ریاست جمهوری :

مردم به صورت مستقیم رئیس جمهور را تعیین می کنند و هر کسی تعداد رأی بیشتری از مردم (تعداد ۵۰ درصد + ۱ را) کسب کند، رئیس جمهور است. لذا انتخابات ریاست جمهوری در ایران نسبت به آمریکا به دموکراسی نزدیکتر است.

نقد نظام انتخاباتی :

همان نقدی که بر دموکراسی هست در اینجا هم است.

بررسی نظام لیبرالیستی :

لیبرالیسم به معنای آزادی مطلق است.

با این اندیشه‌ی لیبرالیسم، هرج و مرج در جامعه رواج پیدا می کند لذا در غرب آمدند بر آزادی قیدهای زیر را زدند:

- آزادی تا زمانی که به آزادی دیگران ضربه نزند.

- آزادی که اغلب مردم جامعه خواهان آن باشند و آزادی بقیه کسانی که حداقل را تشکیل می دهند، مورد پذیرش نیست.

یعنی بر آزادی قید دموکراسی زدند.

پس در غرب هم آزادی مطلق نداریم.

- صغف دیگر نظام لیبرالیستی در این است که مبنای ارزش یک چیز را به نظر اکثریت مردم منوط می داند یعنی یک چیز زمانی خوب است که اکثر مردم بگویند خوب است و یک چیز زمانی بد است که مردم بگویند بد است لذا همجنس گرایی خوب است چون مردم می گویند خوب است.

تسهیلات ویژه دولت آلمان برای تشویق خانواده ها به فرزندآوری!

❖ دولت فدرال آلمان در قبال تولد هر کودک به خانواده‌های آلمانی از ۱۹۰ تا ۲۲۱ یورو در ماه پرداخت می‌کند.

❖ این کمک هزینه تا سن ۱۸ سالگی ادامه دارد، البته در صورت ادامه تحصیل فرزندان تا سن ۲۵ سالگی نیز می‌تواند ادامه می‌یابد.

❖ البته دریافت این کمک هزینه در صورتی ادامه می‌یابد که فرزندان به کارورزی یا کار پاره وقت یا دائم اشتغال نداشته باشند که در این صورت این کمک هزینه قطع می‌شود؛ یعنی اگر در ازای کاری که انجام می‌دهند وجهی دریافت کنند کمک هزینه دولتی قطع خواهد شد.

❖ بعد از تولد فرزند، والدین می‌توانند از ۱۴ ماه مرخصی بهره‌مند شوند، یا یکی از والدین از این ۱۴ ماه استفاده می‌کند و یا هر دو نفر، این زمان را به شکلی که مطلوبشان باشد بین خودشان تقسیم می‌کنند.

❖ در زمان استفاده والدین از مرخصی، دولت ۶۵ درصد حقوق فردی که در مرخصی به سر می‌برد را به وی می‌پردازد.

❖ دولت تا ۲ سال مبلغ ۳۰۰ یورو در ماه به خانواده‌ها تحت عنوان هزینه بزرگ کردن نوزاد می‌پردازد.

❖ به ازای فرزند اول ۱۹۰ یورو، برای فرزند دوم ۱۹۶ یورو و برای فرزند سوم و بیشتر ۲۲۱ یورو کمک هزینه در ماه برای خانواده‌ها در نظر گرفته شده است.

❖ برای فرزندان والدینی که کارمند دولت محسوب می‌شوند مبلغ ۱۰۰ یورو نیز به کمک هزینه قبلی افزوده می‌شود؛

❖ یعنی اگر خانواده‌ای با یک فرزند را در نظر بگیریم، دولت به این خانواده ۱۹۰+۱۰۰ یورو در ماه کمک هزینه اعطا می‌کند.

❖ اداره مالیات دولت فدرال آلمان بر اساس شماره شناسایی مالیاتی کودک این وجه را به شماره حساب کودک واریز می‌کند تا خانواده‌ها از آن برای مخارج وی در دوران نوزادی تا نوجوانی و جوانی استفاده کنند.

❖ یک جوان ۲۱ ساله که در حال حاضر این کمک هزینه را دریافت می‌کند می‌گوید: از آنجایی که پدر من کارمند دولت است کمک هزینه‌ای که در ماه می‌گیرم نزدیک ۳۰۰ یورو است و این مبلغ برای تمامی مخارج من در ماه کافی است.